

- ۱۲۴- این «خانم» همسر «آقا» (یادداشت شماره ۱۲۲) و نامش الیزابت شارلوت، دوشس دورلثان بود. مجموعه مکاتبات او موجود است.
- ۱۲۵- هلیو گابال، یا الگابال، امپراتور ژم (۲۲۲-۲۰۴).
- ۱۲۶- شویبار، آهنگساز و رهبر ارکستر، از گردانندگان کنسرت‌های لامورو بود و در شناساندن واگنر و آهنگسازان روس به موسیقی دوستان فرانسوی نقش فعالی داشت.
- ۱۲۷- امانوئل شاریبه، آهنگساز فرانسوی (۱۸۹۴-۱۸۴۱).
- ۱۲۸- توضیح بازی «گرگ و حلقه» در یادداشت شماره ۲۴۲ کتاب در سایه دوشیزگان شکوفا آمده است.
- ۱۲۹- در اساطیر یونان پان خدای چوپانها و گله‌هاست، در نگاره‌ها به صورت موجودی شیطانی، نیمی آدم تیمی حیوان، شاخدار و پشمالو، ترکیبی از آدم آغازین و بز، نشان داده می‌شود، بسیار چابک است و عطش شهبانی سیری ناپذیری دارد، یکی از کارهای همبستگی‌اش کمین کردن برای پریان و دنبال کردن آنهاست. ترس از پان (ترس پانیک) همانی است که واژه عام *panique* (وحشت) را به وجود آورده است.
- ۱۳۰- اینجا پروست دو قصه انجیل را سهواً با هم آمیخته است. معجزه شفای مرد نابینا در بیت صیدارخ می‌دهد (انجیل مرقس، باب هشتم، ۲۶-۲۲) حال آن که معجزه مسیح در حوض بیت حیدا (و نه بیت صیدا) دربارهٔ مرد افلیجی است که پس از ۳۸ سال بیماری شفا می‌یابد (انجیل یوحنا باب پنجم، ۹-۲).
- ۱۳۱- بیان پروست دربارهٔ چگونگی هزینهٔ این ده هزار فرانک گنگ است. آیا سالی ده هزار فرانک به مدت سه سال، یا این مبلغ تقسیم بر سه سال؟
- ۱۳۲- تناقض در چگونگی و زمان مرگ سانیت. کمی پیش‌تر، در همین کتاب و در همین شب داستان، پروست گفت که سانیت، پنج دقیقه پس از آن که آقای وردورن از خانهٔ خود بیرونش کرد، در حیاط خانه دچار حمله شد و به زمین افتاد، او را به خانه‌اش بردند. «چند هفته‌ای هنوز زنده بود اما جز گهگاهی دیگر به هوش نیامد.»
- ۱۳۳- متن عیناً به این شکل است، یعنی ظاهراً پروست «کشف» قطب شمال را هم به کلمب نسبت می‌دهد. ظاهراً، زیرا شکی نیست که اینجا نیز سهوی ساده مطرح است. مترجمان انگلیسی و ایتالیایی تام رابرت ادوین پیری، «کاشف» قطب شمال را به آخر جمله افزوده‌اند.
- ۱۳۴- کاردینال دولست بنیان‌گذار و رئیس انستیتوی کاتولیک پاریس بود.
- ۱۳۵- گپ‌های دوشنبه عنوان مقاله‌هایی بود که سنت برو از سال ۱۸۴۹ تا ۱۸۶۹ هر دوشنبه در چند روزنامه فرانسوی می‌نوشت.

۱۳۶- گاستون بواسیه (۱۹۰۸-۱۸۲۳) متخصص تاریخ ژم باستان بود؛ پالاتینو یکی از تپه‌های شهر رم و تیوولی شهری در نزدیکی رم است.

۱۳۷- اسپازی زنی محفل آرا، دوست و مشاور پریکلس بود.

۱۳۸- اشاره به قصه کبوتر و مور لافونتن

۱۳۹- *Dii omen avertant*

کلام لاتین: خدایان آن روز را نیاورند.

۱۴۰- سیلوستر بونار فهرمان کتاب جنایت سیلوستر بونار آناتول فرانس است.

۱۴۱- فید «پنهانی» در این جمله بکلی بی‌منطق است و از لغزش یا شناهزدگی نویسنده حکایت دارد: پنهان کاری آلبرترین در اوتوی فقط برای این بود که خود «راوی» از بودنش در آنجا با خبر نشود، بنابراین رفتنش نزد او چه نیازی به پنهان کاری داشت؟

۱۴۲- موریس کانتن دو لاتور، چهره‌نگار بزرگ فرانسوی، که بویژه با پاستل کار می‌کرد (۱۷۸۸-۱۷۰۴). اما آیا سکوت آلبرترین یادآور سکوت معروف تابلوهای یک چهره‌نگار بزرگ دیگر، زرژ دو لاتور نیست؟

۱۴۳- در متن فرانسوی تازه که این ترجمه از آن صورت می‌گیرد، آمده است: اثر من؟ در حالی که در همه متن‌های دیگر، از جمله فرانسوی «کلاسیک» گالیمار (۱۹۵۴)، آمده است: عشق من؟ با توجه به بحران رابطه دو شخصیت کتاب حالت مرده‌وار آلبرترین بیشتر تمثیل چگونگی عشق «راوی» است تا اثرش، کما این که عبارت پیشین هم «مرگ من؟» است.

۱۴۴- اشاره پروست اینجا به ماجرای معروف طنجه است که در کشور فرانسه و آلمان را به مرز جنگ با هم کشانید. تئوفیل دلکاسه از ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۵ وزیر امور خارجه فرانسه بود. با فعالیت او اتحاد فرانسه و روسیه (۱۹۰۰) و تفاهم فرانسه و انگلیس (۱۹۰۴) تقویت شد. در سال ۱۹۰۵، با فشارهای ویلهلم دوم، و برای پرهیز از جنگی با آلمان، نخست وزیر فرانسه دلکاسه را وادار به استعفا کرد.

۱۴۵- «پیمان اوترخت» عبارت از مجموعه عهدنامه‌هایی است که به جنگ جانشینی تاج و تخت اسپانیا (۱۷۱۵-۱۷۱۳) پایان داد. در این جنگ همه قدرت‌های بزرگ آن زمان اروپا درگیر بودند.

۱۴۶- کارخانه چینی سازی پونتوشو در سال ۱۷۴۰ در پاریس تأسیس شد.

۱۴۷- در ترجمه انگلیسی، این چند جمله بسیار مهم و دشوار، از «آلبرترین می‌دانست که خوشحالم می‌کند...» تا اینجا حذف شده است. در ضمن، رول و تعویض آن، به پیانولا اشاره دارد که نوعی پیانوی خودکار مکانیکی است.

- ۱۴۸- پروست پس از بستن پراتز فراموش کرده جمله خود را به پایان ببرد. در جمله بعدی هم، به نظر می‌رسد که فاعل جمله پرنس میشکین باشد و نه داستایفسکی.
- ۱۴۹- مونکاسی، نقاش زاده مجارستان (۱۸۴۴-۱۹۰۰).
- ۱۵۰- در ترجمه ایتالیایی، به جای و غیره‌ها فضای خالی گذاشته شده است، در ترجمه انگلیسی از «توجه داشته باشید که داستایفسکی...» در چند سطر بالاتر تا اینجا بکلی حذف شده است.
- ۱۵۱- پل دوکوک نویسنده رمانهای عامه پسند فرانسوی (۱۷۹۴-۱۸۷۱).
- ۱۵۲- جمله پروست ناتمام می‌ماند.
- ۱۵۳- از شعر «هشدار به خواننده» در **گلهای بدی**، متن کامل این بند شعر بودلر (ترجمه به مضمون) چنین است:
اگر تجاوز، زهر، خنجر، آتش
هنوز به طرح‌های خوششان،
پرده مبتذل سرنوشت‌های سفله‌مان را نیاراسته‌اند،
یعنی که جانمان را، افسوس، جبارتی نیست.
- ۱۵۴- منظور سنگ نگاره‌های نمای اصلی کلیسای بزرگ اورویتو در ایتالیاست که کار جووانی پیزانو است و صحنه‌هایی از سفر پیدایش را نشان می‌دهد.
- ۱۵۵- برنار دینو لوئینی، نقاش میلانی (۱۵۳۲-۱۶۸۰).
- ۱۵۶- لیدپایی نام یکی از الحان موسیقی یونان باستان و دستگاه پنجم موسیقی کلیسایی است.
- ۱۵۷- پروست اینجا پای صفحه نوشته است: رجوع کنید به **در سایه دوشیزگان شکوفا**
- ۱۵۸- لغزش پروست؟ برخلاف دیگر چیزهایی که اینجا وصفشان می‌آید، و همه نوعی ویژگی عربی، یا شرقی دارند که خاص و نیز است، کتابخانه آمبروزی در میلان قرار دارد و ربطش به ونیز شاید فقط از طریق «مجلدات» گرانبهایی باشد که این کتابخانه از آنها بسیار غنی است.
- ۱۵۹- ر.ک. یادداشت شماره ۳۰ دوم و هموره
- ۱۶۰- راسین، استر، پرده دوم، صحنه هفتم.
- ۱۶۱- چهارده ژوئیه، روز ملی فرانسه، روزی است که بویژه با رقص‌های همگانی در مکان‌های عمومی برگزار می‌شود. در نتیجه، به گفته «راوی» فقط رویداد محالی می‌تواند برنامه این جشن را لغو کند.
- ۱۶۲- «ایرادنوس» از مجموعه **افسانه قرن‌ها** و «میهمانی ترزه» از کتاب اول **نظاره‌هاست**.

۱۶۳- بوهز خفته از مجموعه افسانه قرنهایست. یادداشت شماره ۲۱۰ طرف گرمانت ۲ را بخوانید.

۱۶۴- قلعه روشه در پروتانی، ملک مادام دوسوینیه بود.

۱۶۵- در دستنوشته پروست جای نام شخص مورد نظر در جمله خالی است. بعید نیست که منظور بلوک بوده باشد.

۱۶۶- در دستنوشته پروست جای مکان خالی است. مترجمان انگلیسی و ایتالیایی آن را با گورویل پر کرده‌اند.

۱۶۷- از ایستیر راسین، پرده اول، صحنه سوم.

۱۶۸- «گِردِه پارچه‌ای» تصویر غریبی است. نزدیک‌ترین چیزی که به ذهن مترجم می‌آید گِردِه‌ای کاغذی، یعنی حلقه‌ای کاغذ پوشانده است که در سیرک دیده می‌شد و بند باز با شیرجه‌ای از درون آن می‌گذشت. اما چنین تصویری با این سطرهای فخیم چندان سازگاری ندارد.

www.KetabFarsi.com

Marcel PROUST

A LA RECHERCHE DU TEMPS PERDU

LA PRISONNIÈRE

*Traduit par
Mehdi Sahabi*



Première édition 1998
deuxième édition 2000
Nashr-e Markaz
Iran, Teheran, P.O.Box 14155-5541

www.KetabFarsi.com